

این غزوه در پی غزوه‌های ذی امر^۱ و پیش از اُحد^۲ در جمادی الاولی سال سوم ق.^۳ و بیست و هفتمین ماه پس از هجرت^۴ رخ داده است. پیامبر ﷺ ابن ام مکتوم یا سباع بن عرفطه غفاری^۵ را جانشین خویش در مدینه ساخت و همراه ۳۰۰ تن از اصحاب خویش، شتابان رهسپار منطقه بحران شد.^۶ اما در این زمان، بنی سلیم پراکنده شده بودند.^۸

رسول خدا ﷺ بدون درگیری با آنان، به مدینه بازگشت.^۹ برخی مدت این غزوه را ۱۰ روز دانسته‌اند.^{۱۰} چنین برمی‌آید که این زمان تنها برای رفت صرف شده باشد؛ زیرا برای پیمودن آن مسافت طولانی و برگشت از آن و اقامت در بحران، زمانی بیشتر نیاز بوده است.

۱. السیرة النبویه، ج ۲، ص ۴۶؛ تاریخ خلیفه، ص ۲۶.

۲. السیرة النبویه، ج ۲، ص ۴۶؛ المحبر، ص ۱۱۲؛ تاریخ طبری، ج ۲، ص ۴۸۷.

۳. المغازی، ج ۱، ص ۱۹۶؛ الطبقات، ج ۲، ص ۲۷؛ البدء و التاریخ، ج ۴، ص ۱۹۸.

۴. المغازی، ج ۱، ص ۱۹۶؛ الطبقات، ج ۲، ص ۲۷.

۵. عیون الاثر، ج ۱، ص ۳۴۲.

۶. المغازی، ج ۱، ص ۱۹۷؛ السیرة النبویه، ج ۲، ص ۴۶؛ الطبقات، ج ۲، ص ۲۷.

۷. المغازی، ج ۱، ص ۱۹۶؛ الطبقات، ج ۲، ص ۲۷.

۸. المغازی، ج ۱، ص ۱۹۶؛ الطبقات، ج ۲، ص ۲۷.

۹. السیرة النبویه، ج ۲، ص ۴۶؛ المغازی، ج ۱، ص ۱۹۶-۱۹۷؛ الطبقات، ج ۲، ص ۲۷.

۱۰. المغازی، ج ۱، ص ۱۹۷؛ الطبقات، ج ۲، ص ۲۷.

◀ منابع

البدء و التاریخ: المطهر المقدسی (م. ۳۵۵ق.)، بیروت، دار صادر، ۱۹۰۳م؛ تاریخ خلیفه: خلیفة بن خیاط (م. ۲۴۰ق.)، به کوشش سهیل زکار، بیروت، دار الفکر، ۱۴۱۴ق؛ تاریخ طبری (تاریخ الامم و الملوک): الطبری (م. ۳۱۰ق.)، به کوشش محمد ابوالفضل، بیروت، دار احیاء التراث العربی؛ السیرة النبویه: ابن هشام (م. ۲۱۸/۲۱۳ق.)، به کوشش السقاء و دیگران، بیروت، دار المعرفه؛ الطبقات الکبری: ابن سعد (م. ۲۳۰ق.)، به کوشش محمد عبدالقادر، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۸ق؛ عیون الاثر: ابن سید الناس (م. ۷۳۴ق.)، بیروت، دار القلم، ۱۴۱۴ق؛ المحبر: ابن حبیب (م. ۲۴۵ق.)، به کوشش ایلزه لیختن شتیتیر، بیروت، دار الاقاف الجدیده؛ معجم البلدان: یاقوت الحموی (م. ۶۲۶ق.)، بیروت، دار صادر، ۱۹۹۵م؛ معجم ما استعجم: عبدالله البکری (م. ۴۸۷ق.)، به کوشش السقاء، بیروت، عالم الکتب، ۱۴۰۳ق؛ المغازی: الواقدی (م. ۲۰۷ق.)، به کوشش مارسدن جونس، بیروت، علمی، ۱۴۰۹ق.

یدالله حاجی‌زاده



بحرین: کشوری مسلمان و حج‌گزار با

اکثریت شیعه در کرانه جنوبی خلیج

فارس

امروز بحرین به کشور و جزیره‌ای کوچک در جنوب خلیج فارس گفته می‌شود. اما در دوران ظهور اسلام، به سرزمینی پهناور در کناره

در میان ایشان افزون بر آیین پرستش اسب، دین‌های یهود، مجوس (زرتشتی) و مسیحیت رواج داشت.^۷

پیامبر ﷺ به سال هشتم ق. پیش از فتح مکه، علاء بن عبدالله حضرمی را با نامه‌ای نزد منذر بن ساوی تمیمی فرستاد که از سوی ایرانیان بر بحرین حکومت داشت و مردم آن سرزمین را به پذیرش اسلام یا پرداخت جزیه فراخواند. با مسلمان شدن منذر، اُسیخت/سییخت، مرزبان ایرانی هجر، و عرب‌های ساکن در بحرین و نیز برخی مردم غیر عرب، اسلام آوردند و اهل کتاب آن دیار با پذیرفتن جزیه با علاء حضرمی سازش کردند^۸ و رسول خدا منذر را در پادشاهی بحرین باقی نهاد.^۹ شماری از پژوهشگران از تبادل نامه‌های متعدد میان بحرینی‌های هجر و دیگر مناطق بحرین با پیامبر ﷺ یاد کرده و به گردآوری آن‌ها پرداخته‌اند.^{۱۰} نیز منابع از کارگزاری علاء و ابان بن سعید اموی به عنوان کارگزاران پیامبر بر بحرین یاد کرده‌اند.^{۱۱} با رحلت پیامبر ﷺ گروه‌هایی از بحرینی‌ها همانند

شرقی جزیره العرب گفته می‌شد که از یک سو به بصره در شمال غربی خلیج فارس و از سوی دیگر به عمان در سواحل جنوبی آن و از غرب و جنوب غربی به سرزمین‌های نجد و یمامه منتهی می‌شد و کویت، قطیف، احساء و هجر را در بر می‌گرفت.^۱ در تقسیم‌بندی مشهور جزیره العرب به پنج بخش، بحرین در بخش عروض قرار گرفته است.^۲ بزرگ‌ترین شهر این سرزمین، هجر بود که گاه به همه بحرین بزرگ نیز اطلاق می‌شد.^۳ بخشی از این سرزمین پهناور که امروزه کشور بحرین نامیده می‌شود، اوال/أوال خوانده می‌شد.^۴ از دیگر جای‌های پرجمعیت بحرین می‌توان به احساء، عقیر، قلیعه، و ساح/تاج اشاره کرد. (تصویر شماره ۲۹)

بحرین تاریخی: پیش از اسلام، بحرین جزئی از قلمرو امپراتوری ایران (فارس) بود^۵ و رئیس عرب این منطقه را ایرانیان انتخاب می‌کردند.^۶ جمعیت بحرین ترکیبی از عرب مانند قبایل عبدالقیس، بکر بن وائل و تمیم از زیر مجموعه‌های عرب شمالی و ایرانیان بود و

۷. فتوح البلدان، ص ۸۵ تاریخ یعقوبی، ج ۱، ص ۲۰۲.
 ۸. انساب الاشراف، ج ۱۲، ص ۵۵-۵۶؛ فتوح البلدان، ص ۸۵.
 ۹. نک: السیرة النبویه، ج ۲، ص ۵۷۶؛ الطبقات، ج ۱، ص ۲۱۱؛ تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۱۲۲.
 ۱۰. مجموعة الوثائق السياسية، ص ۱۵۰-۱۵۹؛ مکاتیب الرسول، ج ۲، ص ۳۷۹-۳۸۳.
 ۱۱. الطبقات، ج ۱، ص ۲۱۶؛ ج ۴، ص ۲۶۷؛ انساب الاشراف، ج ۲، ص ۱۹۰؛ فتوح البلدان، ص ۸۸.

۱. المسالك و الممالک، البکری، ج ۱، ص ۳۷۰-۳۷۱؛ الروض المعطار، ص ۸۲؛ فرهنگ اعلام جغرافیایی، ص ۷۰.
 ۲. المناسک، ص ۵۳۳-۵۳۷.
 ۳. احسن التقاسیم، ص ۹۳؛ معجم البلدان، ج ۱، ص ۳۴۷؛ ج ۵، ص ۳۹۳.
 ۴. المسالك و الممالک، البکری، ج ۱، ص ۳۷۰-۳۷۱؛ معجم ما استعجم، ج ۱، ص ۲۰۸؛ معجم البلدان، ج ۱، ص ۲۷۴.
 ۵. فتوح البلدان، ص ۸۵؛ معجم البلدان، ج ۱، ص ۴۴۴.
 ۶. الرده، ص ۱۴۸؛ الفتوح، ج ۱، ص ۳۸.

بکر بن وائل مرتد شدند؛ اما عبدالقیسی‌ها بر مسلمانی خود پا بر جا ماندند.^۱

بر پایه گزارش‌هایی، بحرین و عمان در دوران امویان (حک: ۴۱-۱۳۲ق.) زیر نظر والیان حجاز بودند.^۲ در این دوره، بحرین مدتی از پایگاه‌های خوارج شد. اما به تدریج آنان به مناطق شرقی و دورتر قلمرو اسلامی همانند کرمان و سیستان عقب رانده شدند. در دوران عباسیان (حک: ۱۳۲-۶۵۶ق.) بحرین حدود دو سده از پایگاه‌های قرامطه* بود. شاید از این رو است که اصطخری آن سرزمین را «دیار القرامطه» نامیده است.^۳ آنان شاخه‌ای از اسماعیلیان بودند که در پی اختلاف با عبیدالله مهدی، خلیفه فاطمی برای رهبری اسماعیلیان، از آن‌ها جدا شدند.^۴

ابوسعید جنابی و در پی او ابوطاهر قرمطی از جمله حاکمان قرمطی بحرین بودند.^۵ قرمطیان از سال ۲۹۴ق. به کاروان‌های حاجیان هجوم بردند^۶ و به غارت کاروان‌های حج

پرداختند.^۷ ابوطاهر از خلیفه عباسی خواست که بصره و اهواز را به او اقطاع دهد تا از غارت کاروان‌های حج دست بردارد؛ اما خلیفه نپذیرفت.^۸ سرانجام به سال ۳۲۷ق. با میانجیگری ابوعلی عمر بن یحیی علوی، نقیب علویان، در ازای پرداخت مبالغی از سوی خلافت عباسی و نیز دریافت مالیات از حاجیان از جانب قرمطیان بحرین، دیگر بار سفر حج ممکن شد.^۹

از دیگر کارهای ناپسند قرمطیان بحرین، یورش به مکه و کندن حجرالاسود و انتقال آن به احساء، از شهرهای بحرین، با هدف از میان بردن حرمت کعبه بود.^{۱۰} آنان گمان می‌کردند که با این کار، در بحرین نیز همانند مکه مراسم حج بر پا می‌شود و هدف آنان برآورده می‌گردد.^{۱۱} حاکم مکه با تعقیب قرمطیان کوشید تا آنان را متقاعد کند که در برابر دریافت همه اموال مکینان، حجرالاسود را به جای خود برگردانند؛ اما توفیق نیافت و در نبرد با قرمطیان به قتل رسید.^{۱۲} سرانجام آنان در پی تهدید فاطمیان و با میانجیگری برخی،

۱. الرده، ص ۱۴۷-۱۴۸؛ الفتوح، ج ۱، ص ۳۷-۳۸؛ المنتظم، ج ۴، ص ۸۳.

۲. حجاز در صدر اسلام، ص ۲۴۰.

۳. المسالك و الممالک، اصطخری، ص ۲۳.

۴. نهاییة الارب، ج ۲۵، ص ۲۲۷-۲۲۸؛ اتعاظ الحنفاء، ج ۱، ص ۱۶۷.

۵. اخبار القرامطه، ص ۴۰۰-۴۰۱؛ نهاییة الارب، ج ۲۵، ص ۲۳۵-۲۳۶، ۲۹۶؛ سیاست‌نامه، ص ۲۷۹.

۶. تاریخ طبری، ج ۱۱، ص ۲۲؛ تاریخ الاسلام، ج ۲۲، ص ۱۶؛ الکامل، ج ۶، ص ۴۲۲.

۷. اخبار القرامطه، ص ۳۱-۵۴؛ القرامطه، ص ۴۰۵-۴۰۶.

۸. القرامطه، ص ۴۰۶.

۹. المنتظم، ج ۱۳، ص ۳۷۸؛ تاریخ الاسلام، ج ۲۴، ص ۵۳، ۵۵؛

تاریخ مکه، ص ۲۲۶.

۱۰. سیاست‌نامه، ص ۲۸۰.

۱۱. سفرنامه ناصر خسرو، ص ۱۴۴.

۱۲. الکامل، ج ۷، ص ۵۴؛ البدایة و النهایة، ج ۱۱، ص ۱۶۱.

کامل امامیه که از هنگام نابودی قرمطیان در این منطقه غلبه یافته بودند، بسیار کوشیدند. اما با حمله عثمانی‌ها به نجد و شکست سعودی‌ها، شیعیان فرصت تجدید مدارس و مکان‌های مذهبی خود را یافتند و از قطیف، احساء و برخی مناطق دیگر بحرین، دانشوران بسیار برخاستند.^۶ حضور برخی از خاندان سادات همانند آل حاجی و آل سید خلیفه و آل جمازی (از بازماندگان امام کاظم علیه السلام) در گرایش مردم بحرین به تشیع، نقشی چشمگیر داشته است.^۷

حضور شیعه در بحرین، به سده اول ق. بازمی‌گردد. سکونت قبایلی همانند عبدالقیس که همیشه به تشیع شهرت داشتند، در تشیع بحرینی‌ها نقشی برجسته داشت. این قبیله در نبرد جمل (۳۶ ق.) امام علی علیه السلام را همراهی کردند.^۸ وجود مزار صعصعة بن صوحان عبدی، از صحابه و یاران مخلص امام علی علیه السلام در بحرین که بحرینی‌ها به زیارت وی می‌روند و نیز مزار رشید هجری، از دیگر صحابه ویژه آن امام، و همچنین پیشینه حکومت‌های دیرپای شیعی در این سرزمین، مؤید تشیع مردم آن است.^۹ این سرزمین از دیرباز از

حجرالاسود را پس از ۲۲ سال به مکه برگرداندند.^۱

بحرین در سده‌های پسین و در پی نابودی قرمطیان، شاهد روی کار آمدن چند دولت شیعی مذهب بود. سلسله عیونی منتسب به عبدالقیس (حک: ۴۶۶-۶۴۲ ق.)، بنی‌العصفور^۲ (حک: ۶۲۰-۷۰۰ ق.)، و بنی‌جروان (حک: ۷۰۵ ق.) از آن شمار هستند.^۳ آل جبر نیز از خاندانی بودند که در سده نهم ق. بر این سرزمین حکومت کردند. حکومت آنان به دست عثمانی از میان رفت. ترکان از سال ۹۶۲ تا ۱۰۸۰ ق. بر بحرین چیره شدند.^۴ نیز صفویان (حک: ۹۰۷-۱۱۳۵ ق.) در دوران شاه عباس اول، با اخراج پرتغالی‌ها (۱۰۶۲ م.) از جزایر خلیج فارس، بر بخشی بزرگ از بحرین چیره شدند.^۵

با ضعیف شدن حکومت عثمانی، دولت شیعی بنی‌خالد در بحرین بر کار آمد و با توسعه طلبی آل سعود به رویارویی پرداخت. به سال ۱۳۳۱ ق. بحرین زیر سیطره عبدالعزیز، بنیان‌گذار دولت سعودی، درآمد. آل سعود و وهابیان در دوره اول حکومتشان، برای نابودی

۱. الکامل، ج ۷، ص ۲۳۴.

۲. اطلس شیعه، ص ۴۲۵.

۳. الدرر الكامنه، ج ۱، ص ۸۳؛ اخبار القرامطه، ص ۵۶.

۴. اطلس شیعه، ص ۴۲۵.

۵. اطلس شیعه، ص ۴۲۶؛ تاریخ اجتماعی ایران، ج ۲، ص ۴۱۸.

دانشنامه تاریخ، ج ۲، ص ۲۲۷.

۶. اطلس شیعه، ص ۴۲۵-۴۲۶.

۷. اطلس شیعه، ص ۴۳۱.

۸. الجمل، ص ۱۵۸؛ الفارات، ج ۲، ص ۷۸۴.

۹. اطلس شیعه، ص ۴۳۵.

۱۳۴۹ش. در پی کشمکش میان ایران و انگلیس، این سرزمین استقلال یافت و در ۱۳۵۰ش. رسماً از ایران جدا گشت و از سوی سازمان ملل به رسمیت شناخته شد.^۷

امروز بحرین کشوری کوچک در جنوب غربی خلیج فارس است و در همسایگی کشورهای ایران در شمال، عربستان در غرب، و قطر در شرق قرار دارد. این کشور عضو شورای همکاری خلیج فارس (مجلس التعاون الخليجي) است و آل خلیفه بر آن حکم می‌راند. نظام حاکم بر آن، سلطنتی مشروطه است.

بحرین از پنج استان و ۳۳ تا ۳۵ جزیره تشکیل شده است. جزیره بزرگ آن، اوال است که به منامه، منعمه، میان و ماهی نیز شهرت دارد. پایتخت بحرین، منامه است. ناحیه حواری نیز ۱۶ جزیره را در بر می‌گیرد. جمعیت بحرین در سال ۱۹۹۹م. افزون بر ۶۴۶ هزار تن بوده است و اکنون (۱۳۹۱ش.) بیش از یک میلیون تن است. اعراب بحرینی، و مردمی از هند، پاکستان، و ایران در آن سکونت دارند.^۸

برخی پس‌رفت خشکی و از میان رفتن ترکیب دو دریا را دلیل نام‌گذاری این

۷. دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ج ۱۱، ص ۳۹۹؛ دانشنامه تاریخ، ج ۱، ص ۲۲۷.

۸. دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ج ۱۱، ص ۳۹۹-۴۰۱.

مراکز مهم شیعی بوده و دانشوران شیعه بسیار از آن برخاسته‌اند.^۱ شیخ عبدالله بن علی البحرانی^۲ (م. ۱۱۴۸ق.)، شیخ احمد بن عبدالله بن متوج بحرانی^۳ (م. ۸۲۰ق.)، شیخ کمال الدین ابوجعفر احمد بن علی بحرانی^۴، و ابن میثم بحرانی (م. ۶۷۹ق.) شارح نهج البلاغه از آن جمله هستند.^۵

◀ **بحرین جدید:** جزیره بحرین به عنوان بخشی از بحرین بزرگ، از نیمه اول سده یازدهم ق. همچنان در اختیار صفویان و افشاریه، از سلسله‌های حاکم بر ایران، بود. با روی کار آمدن قاجاریه (حک: ۱۲۱۰-۱۳۲۴ق.) در ایران، انگلیسی‌ها از سال ۱۸۲۰م. بدین بهانه که ایران دارای نیروی دریایی در خلیج فارس نیست، در قراردادی، پاسداری از جزیره بحرین را بر عهده گرفتند و در دوره‌های پسین نیز به بهانه‌هایی، از اعمال حاکمیت ایران بر آن پیش‌گیری می‌کردند. انگلیسی‌ها در این مدت، آل خلیفه را که زیر پرچم ایران حکومت می‌کردند، با خود همراه نمودند و با هم‌پیمانی آن دو، سرانجام به سال

۱. دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ج ۱۱، ص ۴۱۵.

۲. الذریعه، ج ۱۸، ص ۱۰۷؛ مستدرکات اعیان الشیعه، ج ۲، ص ۱۶۲.

۳. امل الآمل، ج ۲، ص ۱۶؛ اعیان الشیعه، ج ۳، ص ۱۳.

۴. اعیان الشیعه، ج ۳، ص ۴۳.

۵. اعیان الشیعه، ج ۱، ص ۱۳۶.

۶. دانشنامه تاریخ، ج ۱، ص ۲۲۷؛ دائرة المعارف بزرگ اسلامی،

ج ۱۱، ص ۳۹۹-۴۰۱.

برخی رؤسای کاروان‌های حج در پایان سفر حج، مسابقه‌ای میان حاجیان کاروان خود برگزار می‌نمایند و از میان افراد برگزیده، شماری را در سال بعد به رایگان به حج اعزام می‌کنند.

در بحرین، در پی فراخوان برای ثبت نام زائران در کاروان‌ها، مردم به فراخور وضعیت خود، در کاروان‌ها ثبت نام می‌کنند و آماده اعزام می‌شوند. کاروان‌های حج در بحرین دارای درجه‌بندی است. مثلاً «حملة الکاظم» کاروانی درجه یک به شمار می‌رود و معمولاً وزرا و نمایندگان مجلس بحرین با آن همراه می‌شوند.

آموزش حاجیان پیش از سفر در حسینیه‌ها، تکایا و مساجد بحرین و در طول سفر در مکه و مدینه برگزار می‌شود. معمولاً جزوهای آموزشی نیز در دسترس زائران قرار می‌گیرد. مرشدان که از میان روحانیان و طلاب بحرینی انتخاب می‌شوند، وظیفه راهنمایی کاروان‌های حج را بر عهده دارند. انتخاب و تأیید صلاحیت مدیران کاروان‌ها و تعیین شمار زائران هر کاروان، بر عهده دولت است. بعثه بحرین که زیر مجموعه وزارت عدل و شؤون اسلامی این کشور است، نظارت و رسیدگی به شکایات و تخلفات کاروان‌ها را بر عهده دارد.

پیش از سفر، درمانگاه‌ها و بیمارستان‌های

سرزمین به بحرین دانسته‌اند.^۱ شماری نیز قرار گرفتن خاک بحرین میان دریاچه‌ای نزدیک احساء و خلیج فارس را دلیل این نام‌گذاری شمرده‌اند.^۲

امروزه حدود ۷۰٪ ساکنان بحرین، شیعه و دیگران اهل تسنن مالکی، شافعی و حنبلی هستند. نیز اقلیت‌هایی مانند مسیحیت در آن یافت می‌شود. سکونت اهل سنت در کشور بحرین، به زمان ورود آل خلیفه (۱۷۷۶م.) از جزیره العرب و چیرگی آنان بر بحرین بازمی‌گردد.^۳

بحرین از کشورهای نفت‌خیز خلیج فارس است. از این رو، در دهه‌های اخیر مورد توجه کشورهای اروپایی و امریکا قرار گرفته و امروزه ناوگان پنجم امریکا در آن استقرار یافته است.

◀ حج‌گزاری بحرینی‌ها: مردم بحرین

با بهره‌گیری از مجالس مذهبی و نیز با مراجعه به دانشوران و دفاتر مراجع تقلید، از استطاعت خود آگاه می‌شوند. دولت عربستان با توجه به جمعیت اندک بحرین، سهمی ویژه برای این کشور مشخص نکرده است. تکایا، هیأت‌ها و مساجد، سفر حج را جایزه قرار می‌دهند. حتی

۱. دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ج ۱۱، ص ۴۰۱.

۲. معجم البلدان، ج ۱، ص ۳۴۷.

۳. اطلس شیعه، ص ۴۲۷؛ نک: دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ج ۱۱، ص ۴۰۰-۴۰۱.

بحرین دفترچه سلامت (البطاقة الصحية للحاج) برای حاجیان صادر می‌کنند که گواهی‌نامه تأیید سلامت زائر پس از گذراندن معاینه کامل پزشکی است. افزون بر اعزام پزشک همراه کاروان‌های بحرینی، مرکزی با نام «البعثة الطیبة البحرینیة» در مکه قرار دارد.

شمار حاجیان بحرین از سوی بعثة بحرین به سال ۱۳۸۶ ش. ده هزار تن اعلام شد.^۱ یکی از آگاهان بحرینی شمار آن‌ها را در سال‌های اخیر میان ۱۰ تا ۱۳ هزار تن گزارش کرد که در ۸۰ تا ۱۰۰ کاروان به حج اعزام شده‌اند. بر پایه گفته برخی آگاهان بحرینی، معمولاً کاروان‌های اهل سنت از کاروان‌های شیعه جدا است. گاه همراه کاروان‌های شیعه، افرادی از اهل سنت به واسطه رفاقت یا نسبت فامیلی همراه می‌شوند. در کاروان‌های اهل سنت نیز برخی شیعیان حضور دارند. بعضی از کاروان‌های بحرینی در سفری کوتاه فقط به مکه می‌روند و اعمال حج را به جا می‌آورند. سفر به صورت آزاد و فردی نیز در این کشور بسیار مرسوم است.

در گذشته، حج بحرین از راه یمامه انجام می‌شد؛ زیرا این مسیر از شهرهایی که عراق و حجاز را به هم پیوند می‌داد، عبور می‌کرد و حاجیان این مسیر افزون بر بهره‌مندی از خدمات مرکز خلافت عباسی در عراق، از

۱. حج ۲۸، ص ۱۹۱.

حمایت دیگر حاجیان نیز برخوردار می‌شدند.^۲ این مسیر با راه حج بصره می‌پیوست و در ضربه به آن می‌رسید و با عبور از جدیله، فلجه، دفینه، قبا، مران، وجره، اوطاس، ذات عرق و بستان به مکه می‌انجامید.^۳

مسافرت به کشور عربستان برای انجام اعمال حج، بیشتر به دو گونه هوایی و دریایی صورت می‌گیرد. در سفر دریایی، حاجیان ناچار بودند حدود یک ماه تا یک ماه و نیم در عربستان توقف کنند و این دشواری‌هایی برای زائران داشت. از این رو، از سفر با کشتی چندان استقبال نمی‌شود.^۴ در سفر زمینی، کاروان حاجیان بحرینی از پل ملک فهد عبور می‌کند که بحرین را به خشکی پیوند می‌دهد.^۵

چنین برمی‌آید که در آینده نزدیک، سفر ریلی به حرمین شریفین از بحرین، سهمی عمده در انتقال حاجیان خواهد داشت. به گزارش روزنامه مدینه، چند سال پیش، طرح احداث شبکه راه آهن منطقه خلیج فارس در نشست سران کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس بررسی شد که با عبور از نوار ساحلی خلیج فارس، بحرین را به مدینه

۲. اسناد موجود در دانشنامه.

۳. نک: بحوث ندوة طرق الحج الآسیویه، ص ۱۳۵-۱۳۶.

۴. اسناد موجود در دانشنامه.

۵. با کاروان صفاء، ص ۱۴۳.

حاجیان بحرینی در مدینه پس از زیارت حرم پیامبر ﷺ و مسجد نبوی، به زیارت امامان بقیع، مسجد قبا، شهیدان احد به ویژه قبر حمزه عموی پیامبر ﷺ و مسجد ذو قبلتین می‌روند. در مکه نیز مقبرة المعلات (قبرستان ابوطالب) و جبل النور (غار حراء) از مکان‌هایی است که آنان زیارت می‌کنند.

از آداب و رسوم مربوط به حج در بحرین آن است که حاجی پیش از سفر به خانه خدا، چند روز را برای دید و بازدید و حلالیت‌خواهی اختصاص می‌دهد و خویشاوندان و همسایگان به دیدار وی می‌روند. در پی بازگشت از سفر حج نیز حاجیان بحرینی به شکرانه برگشت از این سفر معنوی ولیمه می‌دهند. البته امروزه این رسم به دلیل فراوانی سفر به حج، کم‌رنگ شده است.^۵

در بحرین تألیفات گوناگون درباره مناسک حج و فلسفه و اسرار حج به چاپ رسیده است. *الحدائق الناضرة فی احکام العترة الطاهرة* از شیخ یوسف بحرانی (م. ۱۸۶۰ ق.) از آن جمله است که در ۲۵ مجلد به چاپ رسیده و چند مجلد آن درباره مناسک و آداب حج است. شیخ حسین علامه (شیخ حسین آل عصفور) نیز در برخی آثارش به بحث حج پرداخته که از آن جمله است: *سداد العباد*.

۵. اسناد موجود در دانشنامه.

و مکه پیوند می‌دهد.^۱

بحرینی‌ها ارتباطی تنگاتنگ با ایرانیان در حرمین شریفین دارند. شماری از آنان برای حضور ایرانیان در حج سال ۱۳۷۰ ش. که در پی چند سال محرومیت بنا بود انجام شود، روزه نذر کرده بودند.^۲ حاجیان بحرینی همانند دیگر شیعیان حوزه خلیج فارس، در مراسم براثت از مشرکان و سمنارهای بعثه جمهوری اسلامی، حضوری فعال دارند.^۳ برخی بحرینی‌ها وجوهات شرعی خویش را به بعثه جمهوری اسلامی ایران می‌پردازند و سؤال‌های فقهی خود را از عالمان بعثه ایران می‌پرسند.^۴

شیعیان بحرین گاهی در عربستان از بی‌مهری و هابیان رنج می‌برند. هنگامی که حاجیان ایرانی به سال ۱۴۰۷ ق. در مکه به خون‌غلتیدند، مأموران سعودی به محل اقامت بحرینی‌ها نیز یورش بردند. در سال ۱۳۸۶ ش. نیز وهابی‌ها به اتوبوس حاجیان بحرینی در نزدیک مسجدالحرام با شیشه حمله‌ور شدند که به مجروح کردن شماری از آنان و فرار ایشان با پای خون‌آلود و ورود اضطراری به مسجدالحرام انجامید.

۱. میقات حج، ش ۵۹، ص ۱۹۵، «اخبار حج و حرمین شریفین».

۲. سیمای حج، ص ۱۳۲.

۳. با کاروان ابراهیم، ص ۱۲۷.

۴. سیمای حج، ص ۲۳۱.

◀ منابع

(م. ۱۳ق.)، قم، مكتبة الداوری؛ حج ۲۸: رضا بابایی و علی اکبر جوانفکر، تهران، مشعر، ۱۳۸۷ش؛ حجاز در صدر اسلام: صالح احمد العلی، ترجمه: آیتی، مشعر، ۱۳۷۵ش؛ دانشنامه تاریخ: محمود طلوعی، تهران، نشر علم، ۱۳۸۷ش؛ دانشنامه جهان اسلام: زیر نظر حداد عادل و دیگران، تهران، بنیاد دائرة المعارف اسلامی، ۱۳۷۸ش؛ دائرة المعارف بزرگ اسلامی: زیر نظر بجنوردی، تهران، مرکز دائرة المعارف بزرگ، ۱۳۷۲ش؛ الدرر الكامنه: ابن حجر العسقلانی (م. ۸۵۲ق.)، به كوشش محمد عبدالمعید، الهند، دائرة المعارف العثمانیه، ۱۳۹۲ق؛ الذریعة الى تصانیف الشیعه: آقا بزرگ تهرانی (م. ۱۳۸۹ق.)، بیروت، دار الاضواء، ۱۴۰۳ق؛ الوردہ: الواقدی (م. ۲۰۷ق.)، به كوشش الجبوری، بیروت، دار الغرب الاسلامی، ۱۴۱۰ق؛ الروض المعطار: محمد بن عبدالمنعم الحمیری (م. ۹۰۰ق.)، به كوشش احسان عباس، بیروت، مكتبة لبنان، ۱۹۸۴م؛ سفرنامه: ناصر خسرو (م. ۴۸۱ق.)، به كوشش الخشاب، بیروت، دار الكتاب الجديد، ۱۹۸۳م؛ سیاستنامه: الحسن بن علی الطوسی نظام الملك (م. ۴۸۵ق.)، به كوشش بكار، قطر، دار الثقافة، ۱۴۰۷ق؛ السیرة النبویه: ابن هشام (م. ۲۱۸/۲۱۳ق.)، به كوشش السقاء و دیگران، بیروت، دار المعرفه؛ سیمای حج: سرهنگی و گیویان و بهبودی، تهران، حوزه نمایندگی ولی فقیه در امور حج و زیارت، ۱۳۷۰ش؛ الطبقات الكبرى: ابن سعد (م. ۲۳۰ق.)، به كوشش محمد عبدالقادر، بیروت، دار الكتب العلمیه، ۱۴۱۸ق؛ الغارات: ابراهیم ثقفی الكوفی (م. ۲۸۳ق.)، به كوشش المحدث، بهمن، ۱۳۵۵ش؛ فتوح البلدان: البلاذری (م. ۲۷۹ق.)، بیروت، دار الهلال، ۱۹۸۸م؛ الفتوح: ابن اعثم الكوفی

اتعاظ الحنفاء: المقریزی (م. ۸۴۵ق.)، به كوشش جمال الدين و دیگران، المجلس الاعلی للشؤون الاسلامیه؛ احسن التقاسیم: المقدسی البشاری (م. ۳۸۰ق.)، قاهره، مكتبة مدبولی، ۱۴۱۱ق؛ اخبار القرامطه: سهیل زكار، دار احسان، ۱۴۰۲ق؛ اطلس شیعه: رسول جعفریان، تهران، سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح، ۱۳۸۷ش؛ اعیان الشیعه: سید محسن الامین (م. ۳۷۱ق.)، به كوشش حسن الامین، بیروت، دار التعارف؛ امل الآمل: الحر العاملی (م. ۱۱۰۴ق.)، به كوشش الحسینی، قم، دار الكتاب الاسلامی، ۱۳۶۲ق؛ انساب الاشراف: البلاذری (م. ۲۷۹ق.)، به كوشش زكار و زرکلی، بیروت، دار الفكر، ۱۴۱۷ق؛ با كاروان ابراهیم: رسول جعفریان، محمد علی خسروی، تهران، مشعر، ۱۳۷۱ش؛ با كاروان صفا: رسول جعفریان، مشعر، ۱۳۸۲ش؛ بحوث ندوة طرق الحج الآسیوی: المنظمة الاسلامیه للتربية و العلوم و الثقافة، كوالالمبور، ۱۴۳۱ق؛ البداية و النهاية: ابن كثير (م. ۷۷۴ق.)، بیروت، مكتبة المعارف؛ تاریخ اجتماعی ایران: مرتضی راوندی (م. ۱۳۷۸ش.)، تهران، نگاه، ۱۳۸۲ش؛ تاریخ الاسلام و وفیات المشاهیر: الذهبي (م. ۷۴۸ق.)، به كوشش عمر عبدالسلام، بیروت، دار الكتاب العربی، ۱۴۱۰ق؛ تاریخ طبری (تاریخ الامم و الملوك): الطبری (م. ۳۱۰ق.)، به كوشش محمد ابوالفضل، بیروت، دار احیاء التراث العربی؛ تاریخ مکه از آغاز تا پایان دولت شرفای مکه: احمد السباعی (م. ۱۴۰۴ق.)، ترجمه: جعفریان، تهران، مشعر، ۱۳۸۵ش؛ تاریخ الیعقوبی: احمد بن یعقوب (م. ۲۹۲ق.)، بیروت، دار صادر، ۱۴۱۵ق؛ الجمل و النصره لسید العتره: المفید

بحیرا: راهب مسیحی بشارت دهنده به نبوت پیامبر

بحیرا / بحیری واژه‌ای غیر عربی، از ریشه آرامی بخیره و به معنای منتخب و برگزیده است.^۱ نام اصلی او سرجس / سرجیس / جرجیس / جرجیوس^۲ بود. او را عالم^۳ و عابد^۴ و راهبی مسیحی از قبیله عبدالقیس^۵ دانسته‌اند. گروهی نیز او را از یهودیان منطقه تیما در شام شمرده‌اند.^۶

وی آشنا به کتاب‌های عهدین، منکر الوهیت مسیح و تثلیث، و باورمند به وحدانیت خدا وصف شده و به این سبب از کلیسای بریه الشام و سپس از طور سینا رانده گشت و ناگزیر در سرزمین «بصری» در جنوب شرقی دمشق، عبادتگاهی ساخت و در آنجا مردم را از بت‌پرستی منع می‌کرد.^۷ مکان دقیق دیر وی را در روستایی به نام کفر^۸ نزدیک سرزمین

(م. ۳۱۴ق.)، به کوشش علی شیری، بیروت، دار الاضواء، ۱۴۱۱ق؛ فرهنگ اعلام جغرافیایی - تاریخی در حدیث و سیره نبوی: محمد محمد حسن شراب، ترجمه: شیخی، تهران، مشعر، ۱۳۸۶ش؛ القرامطه بین المدّ و الجزر: مصطفی غالب، بیروت، دار الاندلس؛ الکامل فی التاریخ: ابن اثیر (م. ۶۳۰ق.)، به کوشش القاضی، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۰۷ق؛ مجموعة الوثائق السیاسیه: محمد حمیدالله، بیروت، دار النفاثس، ۱۴۰۷ق؛ المسالک و الممالک: ابو عبید البکری (م. ۴۸۷ق.)، به کوشش ادریان فان لیوفن و اندری فیری، دار الغرب الاسلامی، ۱۹۹۲م؛ مستدرکات اعیان الشیعه: حسن الامین (م. ۱۳۶۸ش.)، بیروت، دار التعارف، ۱۴۱۸ق؛ معجم البلدان: یاقوت الحموی (م. ۶۲۶ق.)، بیروت، دار صادر، ۱۹۹۵م؛ معجم ما استعجم: عبدالله البکری (م. ۴۸۷ق.)، به کوشش السقاء، بیروت، عالم الکتب، ۱۴۰۳ق؛ مکاتیب الرسول: احمدی میانجی، تهران، دار الحدیث، ۱۴۱۹ق؛ المناسک و اماکن طرق الحج: ابواسحق الحرّبی (م. ۲۸۵ق.)، به کوشش حمد الجاسر، ریاض، دار الیمامه، ۱۴۰۱ق؛ المنتظم: ابن الجوزی (م. ۵۹۷ق.)، به کوشش محمد عبدالقادر و دیگران، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۲ق؛ میقات حج (فصلنامه): تهران، حوزه نمایندگی ولی فقیه در امور حج و زیارت؛ نزهة المشتاق: شریف الادیسی (م. ۵۶۰ق.)، بیروت، عالم الکتب، ۱۴۰۹ق؛ نهایة الارب: احمد بن عبدالوهاب النوبری (م. ۷۳۳ق.)، قاهره، دار الکتب و الوثائق، ۱۴۲۳ق.

سید محمود سامانی



۱. دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ج ۱۱، ص ۴۱۹.
۲. التنبيه و الاشراف، ج ۱، ص ۸۹؛ البداية و النهایه، ج ۲، ص ۳۴۹؛ الاصابه، ج ۱، ص ۶۴۶.
۳. الطبقات، ج ۱، ص ۱۵۳؛ تاریخ طبری، ج ۲، ص ۳۲؛ الکامل، ج ۲، ص ۳۷.
۴. سیرت رسول الله، ج ۱، ص ۱۵۸.
۵. السیرة النبویه، ابن کثیر، ج ۱، ص ۲۴۶؛ الاصابه، ج ۱، ص ۴۷۵؛ سبل الهدی، ج ۲، ص ۱۴۵.
۶. الاصابه، ج ۱، ص ۴۷۵.
۷. السیرة النبویه، ابن هشام، ج ۱، ص ۱۹۱؛ قاموس الاعلام، ص ۱۳۱۷، ۱۲۴۶.
۸. البداية و النهایه، ج ۲، ص ۲۸۹.